# برگشت زرقانی بعد از اتساع افق اطلاعاتش از در تواتر قرائات

البته تا یادم نرفته بگویم. در این بحث‌هایی که اخیراً شده، می‌بینید با یک نحو طمطراقی می‌گویند این حرف‌ها که از ما نیست. اگر بگویید ما متخصص نیستیم اما دیگر آیا متخصص بالاتر از ابو شامه داریم؟! صاحب شرح حرز[1] و صاحب آن کتاب[2] فی علوم القرآن است. ابو شامه کتاب‌های معروفی دارد. بالاتر از او هست؟! ببینید چطور به تواتر قرائات خدشه کرده! با آب و تاب عباراتی دارد! و حال اینکه کنارش هم هست. این یک چیز منفردی است که به محض اینکه از ابو شامه صادر شد با فاصله کمی –حدود صد سال- ابن جزری در منجد المقرئین[3] حرف او را به‌شدت جواب داده است. با چه تندی‌ای او را رد کرده است! حتی می‌گویید چون تناقض در کلام او هست، به ذهنم می‌آید که این فصل را دیگری به کتاب او اضافه کرده است. تا این حد!

جالب‌تر کجا است؟ صاحب مناهل العرفان في علوم القرآن که برای زرقانی در قرن چهاردهم است. استاد دانشگاه الازهر بوده، یک عمر در این‌ها کار کرده است. کتابش چندین چاپ دارد. وقتی این آقای زرقانی به حرف ابو شامه می‌رسد می‌دانید چه می‌گوید؟ می‌گوید من در چاپ اول مناهل العرفان مدافع حرف ابو شامه بودم. می‌دیدم که حرف خوبی است. کسی که کار می‌کند وقتی جلو می رود می بیند مطلب چیست؛ اما در چاپ اخیرش می‌گوید:

> ورأي أبو شامة هذا كنت أقول في الطبعة الأولى إنه أمثل الآراء فيما أرى وذلك لأمور أربعة:
>
> أولها: أنه رأي سليم من التوهينات التي نوقشت بها الآراء السابقة... .
>
> استدراك:لكني بعد معاودة البحث والنظر واتساع أفق اطلاعي فيما كتب أهل التحقيق في هذا الشأن تبين لي أن أبا شامة أخطأه الصواب أيضا فيمن أخطأ وأنني أخطأت في مشايعته وتأييده.ويضطرني إنصاف الحق أن أكر على الوجوه التي أيدته بها بين يديك فأنقضها وجها وجها. والرجوع إلى الحق فضيلة.

**«ورأي أبو شامة هذا كنت أقول في الطبعة الأولى إنه أمثل الآراء فيما أرى»؛** بهترین رأی همین رأی ابو شامه است.

**«وذلك لأمور أربعة»؛** می‌گوید در آن زمان در طبعه اولی چهار دلیل محکم به نفع ابو شامه آوردم. آن حرف هم نه خدشه کلی بود؛ بلکه خدشه فی الجمله ای در اطلاق تواتر قرائات سبع بود. بعد می‌گوید:

«**استدراك:لكني بعد معاودة البحث والنظر**»؛ می‌گوید مدام رفتم و برگشتم؛ ببینید کتابش چاپ شده است. تقیه نکرده، از آن‌ها نمی‌ترسیده. نمی‌گوید که بعداً به من ایراد گرفتند. اصلاً این‌ها نیست.بعد یک جمله می‌گوید که ما خیلی با آن کار داریم.

**«واتساع أفق اطلاعي فيما كتب أهل التحقيق في هذا الشأن»؛** یک کتاب نوشته، استاد بوده، بعد می‌گوید هر چه کار کردم افق اطلاعم متسع شد. ما در این پنج شش سال به هر چیزی برخورد کردیم همین بود. هر چه بیشتر کار می‌کنید افق باز می‌شود. آقایانی که تشریف داشتند می‌دانند که من چه می‌گویم. یعنی اصلاً این افق‌ها نیست. شش جلسه-هفت جلسه مطالعه کنیم؛ برویم و برگردیم؛ می‌بینیم اصلاً یک افق باز می‌شود. افقی که قبل از آن در ذهن ما نبود.

«**تبين لي أن أبا شامة أخطأه الصواب**»؛ به حق برخورد نکرده است.**«أيضا فيمن أخطأ وأنني أخطأت في مشايعته وتأييده**». بعد شروع می‌کند:

**«ويضطرني إنصاف الحق أن أكر على الوجوه التي أيدته بها بين يديك فأنقضها وجها وجها»؛** می‌گوید برای تأیید او چهار وجه آوردم اما انصاف این است که برگردم به آن‌ها جواب بدهم. مفصل صحبت می‌کند. نگاه کنید.

ببینید زرقانی می‌گوید بعد از اینکه اطلاعات من وسیع شد فهمیدم که ابو شامه اشتباه کرده است. اول هم از او دفاع می‌کردم. ما در مطالب دقیق علمی دوباره بیاییم حرف ابو شامه را بزرگ کنیم و اسم ببریم؟! این به این معنا است که مسیری که زرقانی رفته را نام نمی‌بریم و تنها ابتدای آن را می‌گوییم. اینها مطالب مهمی در اینجا است.

عبارت مرحوم شیخ را می‌خواندم.

شاگرد: اینکه امام صادق شاگرد کسی باشد و مطالب عملی و مفهومی یاد گرفته باشند، درست نیست. اما فرض کنید در قرائت که سنة متبعة هست، می‌خواستند سلسله را به پیامبر برسانند.

استاد: به نظرم در یک جلسه نیم ساعت در اینباره صحبت کردیم. صحبت سر همین بود. عبارت مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب بود؛ گفتند مثل این است که می‌گویند استاد حسنین سلامه الله علیهما، ابو عبد الرحمان السلمی بود. مقری ایشان در مسجد کوفه ایشان بود. مرحوم نوری با حالت مسخره فرمودند. همان جا مفصل صحبت شد که اولاً بودن یا نبودن یا دروغ گفته‌اند. ابو عبد الرحمان چه گفته. شاید هم چند روز صحبت شد.آن بحثی گسترده است و جای خودش بحث شده.

---

[1]ابراز المعانی من حرز الامانی القراءات السبع؛ کتاب «ابراز المعانی من حرز الامانی القراءات السبع» نوشته امام عبد الرحمن بن اسماعیل بن ابراهیم معروف به ابو شامه دمشقی و به زبان عربی است که در موضوع قرائت هفتگانه قرآن کریم نگاشته شده است.این کتاب شرحی است بر قصیده معروف شاطبیه، سروده ابو القاسم بن فیره بن خلف بن احمد الشاطبی الاندلسی الرعینی الضریر متوفای۵۹۰ هجری. وی در اواخر ۵۳۸ ق در شاطبه متولد شد. قرائت را نزد ابو عبدالله النفزی المغربی و ابو الحسن ابن هذیل اندلسی آموخت. در علم نحو و لغت‌گانه زمان

خویش بود. ویکي فقه

[2]المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز

[3]منجد المقرئين ومرشد الطالبين، ص: ۷۶

---

بازبینی #2
ایجاد شده 16 مارس 2024 16:23:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 16:41:14 توسط ... .